

قصه انسحاب قوا و اعتراف روعسا



شهزادگان کرزی چه میخوانند؟؟

کمیسیون انتخابات دولت تحت الحفاظه فعلی افغانستان در اواخر ماه اکتوبر سال گذشته اعلام نمود که در ماه اپریل سال 2014 میلادی انتخابات ریاست جمهوری صورت میگرد. انتشار این خبر برای خانواده پرآوازه ریس جمهور آقای حامد کرزی یک خبر مهلک بود، زیرا آن خانواده محترم که یکی از اعضای نامی آن خود جناب ریس جمهور می باشد، در طول بیشتر از ده سال گذشته در شئون حیاتی، اقتصاد کشور، سهم بارز را ایفا می کند و آن ضرب المثل معروف امریکائی (from rags to riches) یعنی از ژنده پوشی به ثروت در حال آنها بخوبی تحقق یافته است. قصه دست یابی به جاه، مقام و (Self-made man) ویا ثروت آقای کرزی و خانواده اش برای همه ملت افغانستان قصه شیرین و خواندنی است، لیکن ارتباطی هم، به نوسانات ابراز نظریات سیاسی جناب ریس جمهور کرزی در باب انسحاب قوا خارجی و اعترافات ذیقیمت سیاسی وی نیز دارد.

پیش از اینکه در مورد انسحاب قوا خارجی و اعترافات سیاسی جناب رئیس جمهور دولت تحت الحمايه ای ناتو در افغانستان زبان بگشایم، تذکره مختصر از اعتلای اقتصادی خانواده کرزی را به حیث بحث وردی در اختیار شما قرار میدهم و در بخش دوم این نوشته به عنوان مقاله رجوع خواهم کرد.

!پیرزنان در افغانستان موقعیکه از آنها پرسان شود که چطور با شوهرت ازدواج کردی می گویند که: قلم زن کار خوده می کنه

چنین شد که قومندان عبدالحق از خانواده ارسلانی از یکطرف، مرحوم داکتر عبدالصمد حامد از طرف دیگر و آقای حامد کرزی از باب دیگر، به تفاهم ایالات متحده امریکا و دولت انگلیس نامزد نشستن بر اریکه قدرت در افغانستان بعد از خلع قدرت تحریک محترم طالبان از کابل، بودند.

امریکا و انگلیس شد. مرحوم داکتر عبدالصمد حامد یک (Game) قلم زن کار خود را کرد و قومندان عبدالحق قربانی بازی شخصیت پاک نفس و ورزیده سیاست از پاکستان دوباره به جرمنی عودت کرد و آقای کرزی بر اریکه قدرت دولت تحت الحمايه ناتو نشست.

آهسته آهسته جناب حامد کرزی باهشیاری و ذوکات بخصوص که در امر تصدی امور داشت و چندگاهی مسایل سیاسی را در انستیتوت مشهور هندوستان اموخته بود و با ظرافت سیاسی بریطانوی کمی و بیش آشنائی حاصل کرده بود، نخست پایگاه اقتصادی خود را محکم بندی کرد. درین خصوص چند تن از وابستگان خود را که اغلب در ایالات متحده امریکا هم کمک می

گرفتند و هم در شغل رستوران داری مصروف بودند به کشور دعوت نمود و در رده های مهم پست های سیاست و اقتصاد کسب و کار برایشان مهیا ساخت. درین فهرست برادرانش ، پسران کاکایش ، خواهر زاده ها ، برادر زاده ها و کاکایش مقام اول را حایز گردیدند.

احمد رشید نویسنده ماهر امریکائی پاکستانی الاصل بطور طعن آمیز در یکی از مصاحبه های خود ابراز داشت که سیاست خانوادگی یک بخشی از فرهنگ را درین منطقه احاطه می کند طوری که در افغانستان در یکی از مراحل تجمع و تکرر سرمایه بصری برد ، آن مرحله ای که خانواده های پر شهرت این کشور در آن خود را سهیم می دانند.

ازشش برادر نصیبی کرزی چهار برادرش که قبلا در ایالات متحده امریکا زندگی می کردند ، اکنون در افغانستان صاحب پست های حساس می باشند. خویشاوندان نزدیک جناب ریس جمهور حامد کرزی همین اکنون با تاسیس شرکت های مهم تجاری قرارداد های فوق العاده با نیرو های امریکا بسته اند ، حتی کسانی که درین خانواده ازدواج کرده اند ، از مصونیت اقتصادی فوق العاده برخوردار گردیده اند. یکی از برادرزاده هایش در صدر کار های امنیتی و وظیفه انجام می دهد. کاکایش سفیر کبیر در روسیه می باشد. حتی تاج محمد جان ایوبی که خواهرش در فامیل کرزی عروس شده است ، به پاس ارتباط خویشی اکنون در وزارت خارجه منحصی مشاور اعظم ایفای وظیفه می کند. جناب ریس جمهور کرزی از عدم کفایت مسلکی و سیاسی وی بخوبی آگاهی دارد ، لیکن سند معتبر آقای تاج جان ایوبی همان قرابت خانوادگی وی با خانواده کرزی می باشد. در بین دوستان خود یکی از بچه های کاکای کرزی که در مریلند ایالات متحده زندگی می کند بطور مزاح تلویحا گاه گاه می گوید که کرزی ها به وطن می روند تا نام خاندان خود را در سکه طلا نقش زنند. البته بدوستان امریکائی خود می گوید که کرزی ها نام خانوادگی خود را در (Silver-ring) نقش می بندند.

با کشته شدن مرحوم احمد ولی جان کرزی قسما یک قسمت عمده آرزوی های آینده جناب ریس جمهور نقش بر آب شد. مرحوم احمدولی کرزی یک مرد بسیار تیز هوش و در کسب تجارت و امنیت آدم زیرکی بود. در ایام جوانی بدرجه منجریک رستوران در شیکاگو امریکا ارتقای وظیفه کرده بود. البته همه رستوران ها و سلسله رستوران های جهانی مانند میکدونالت افراد بدون مسلک را به وظیفه جذب می کنند و زمینه استعداد تراش آنها را تا اندازه مهیا می سازند که بدرجه منجری گروه های کاری بیشتر از ده نفری الی تمام رستوران ارتقا می یابند.

مرحوم احمد ولی در قندهار مشهورترین و قدرتمندترین چوکی را عهده دار شد. در ویکی لیکس فاش گردیده بود که مرحوم احمد همکاری بسطح بلند منطقی داشت. با عقد قرارداد های اختصاصی میان شرکت های مرحوم احمد (C.I.A) ولی کرزی با سازمان ولی کرزی و ناتو منابع عایداتی میلیون ها دالری برای ادامه و توسعه قدرت خانواده جناب ریس جمهور آماده میگردد. کسانی که در کشتن احمدولی کرزی دست داشتند ، به ریس جمهور کرزی و خانواده اش سخت جفا کردند ، زیرا یک مرد هوشیار و امید آینده خانواده کرزی را از میان برداشتند. او همیشه به خارجیان می گفت که افغانستان کشور بیست که همیشه توسط پادشاهان اداره میشود. اکنون ما شاهدگان افغانستان هستیم یعنی برادران ، پسران کاکای ریس جمهور جناب حامد کرزی می باشیم. این واقعیت افغانستان است و شما خارجی ها این را باید بدانید.

مرحوم احمد ولی کرزی ضمن دسترسی به قرارداد های مهم دولتی ، قطعات پر ارزش از زمین های شاداب را نیز در اختیار داشت و چند گروه ضربتی امنیت مطیع و فرمانبردار او هم بودند.

مرحوم احمد ولی کرزی در تجارت مواد مخدر نیز تلاش پر ثمر بخرچ میداد. به اساس گزارشات منابع استخبارات غربی چندین تن کوکاین خام در گدام های مرحوم احمدولی کرزی پیدا شد ، لیکن بسیار خاموشانه مسئله به طاق فراموشی سپرده شد. یکی از دانشمندان ماهر امریکا بنام کارل فوسبرگ در توصیف احمد ولی کرزی گفته بود که مرحوم احمد کرزی میدانست که چطور ارتباطات بین المللی تجارتی را برای استحکام قدرت استفاده کند. کارل فوسبرگ می گوید که خانواده کرزی فرقی بین قدرت سیاسی و علایق خانوادگی قایل نیست.

از شیوه تجارت و قدرت مرحوم احمد ولی کرزی سایر برادران و اقارب نزدیک جناب ریس جمهور بمانند یک الگو خوب استفاده کردند.

داستان موفقیت سرعت امیز محمود کرزی به همه افغانها و حتی کشورهای غربی هویدا است. محمود کرزی بعنوان موفقترین تاجر و سهم دار کابل بانک در سطح منطقه و حتی در سطح بین المللی عرض اندام نموده است. قبل از موفقیت اسرار امیز جهانی خود ، آقای محمود کرزی مالک یک رستوران در امریکا بود. چقدر زیبا و ساده است که از شرایط بسیار ناچیز اکنون وی یکی از پرنفوذترین سهم داران کابل بانک محسوب میگردد. برای جناب ریس جمهور و خانواده محترم کرزی کمی غم انگیز است که مسئله ترتیب ارتقای آقای محمود کرزی در سطح پرنفوذترین تاجر منطقی توسط خارجی ها مفتضحانه افشاء گردید. جناب ریس جمهور گاه گاهی این شیوه کار کشور های غربی را منحصی یک روش ناسالم دیپلوماتیک محکوم نموده است.

برای امریکائیان و دول اروپائی جالب است که در تاریخ روش بانکداری برای نخستین بار است که خانواده کرزی از یک تکنیک غیر معمول استفاده نموده است. محمود کرزی نخست از کابل بانک مبلغ پنج میلیون دالر قرضه بدست آورد و متعاقب آن مساوی به همان مبلغ قرض گرفته شده از کابل بانک اسهام بانکی کابل بانک را خریداری نموده است. البته این عملیه نادر در تاریخ بانکداری دنیا بدون پشتیبانی مستقیم جناب ریس جمهور ممکن نبود. البته محمود کرزی یک جوانمردی خاصی را هم کرد، موقعیکه جناب ریس جمهور برای مبارزات انتخاباتی خود به پول احتیاج داشت.

برای خانواده کرزی افغانستان مانند یک دکان پدری است. هر چه بخواهند از آن دکان بخانه خود می برند. در اواخر قرن نزده بسیاری از مردمان جوان و تنومند امریکائی به جاهای سفر میکردند که آوازه پیداشدن معادن طلا در آنجا بلند می شد. اکنون نواسه های محترم عبدالاحد کرزی از دیار غربت بمانند همان امریکائی ها به افغانستان بازگشت کرده اند. ذبیح جان و احسن جان کرزی دو جوان زیبا قامت که درسین بیست ساله و اندی می باشند با عقد قرارداد های بسیار خوب شرکت های ترانسپورتی با امریکائی ها تاسیس کرده اند. آنها صادقانه می گویند که ما شاهدانگان افغانستان می باشیم. حسن جان و ذبیح جان کرزی تاسیس کرده اند که عواید آن بسیار خوب است Altus Supply Services and Logistics شرکتی زیر عنوان

رئیس جمهور آقای کرزی در کنفرانس مبارزه با فساد اداری با بسیار شیرینی کلماتی را برای نخستین بار بر لب آورد و گفت که او میدانند که فساد در صفوف ما رخنه کرده است. و اضافه کرد که ما باید واقعینانه به این مشکل نظر اندازی کنیم، اما هیچ نوع تدابیری اتخاذ نکرد.

آقای رونالد نایمن که در بین سال های 2005 الی 2007 میلادی سفیر ایالات متحده در افغانستان بود درینمورد می گوید که چرا! هم اتخاذ بکنند

جناب سفیر می گوید که قدرت سیاسی کرزی وابستگی تنگاتنگ با خانواده وی دارد. برادران، برادرزاده ها، پسران کاکا و بلاخره کاکایش به جناب رئیس جمهور برای تجارت بصورت حتمی نیاز دارند و بالمقابل آقای حامد کرزی به آنها برای قدرت سیاسی نیازمند است.

آقای سفیر نایمن معتقد است که آقای حامد کرزی دقیقاً میدانند که چرا یک شبکه خیلی ظریف قدرت را برای خود ببافد، زیرا بمجرد ترک گفتن قوای خارجی از افغانستان به آن شبکه نیاز مبرم خواهد داشت. این شیوه کار وی شباهت ویژه با شیوه کار رئیس جمهور اسبق افغانستان نجیب الله دارد، طوریکه او توانست بعد از خروج نیروی شوروی از افغانستان در عرصه سیاست قریب سه سال دیگر قدرت را در دست داشته باشد. مگر باوجود آن بعداً کشته شد.

نایمن می افزاید که حامد کرزی معتقد است که ما وی را تنها می گذاریم. به همین خاطر او تلاش می ورزد تا یک شبکه از حامیان و شبه نظامیان و خانواده های معروف لیکن با فساد آمیخته را مثل زنجیره برای خود ببافد که وابستگی متقابل آنها در همان شبکه نهفته باشد. این نوع از تدابیر اتخاذی یک واقعیت مشروع در کوه پایه های هندوکش است.

اکنون یک تذکره مختصر خانواده محترم کرزی را در باب صعود سیاسی و اقتصادی آنها در افغانستان بصورت مختصر بیان داشتیم و آن نکات بر شمرده ما را کمک خواهد نمود تا نوسانات مواضع سیاسی کرزی را نسبت به ایالات متحده امریکا و دول اروپائی، جمهوری اسلامی پاکستان، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری هند بررسی کنیم.

متأسفانه عواقب این نوع نوسانات مواضع سیاسی برای خود حامد کرزی و خانواده محترمش خیلی خطرناک خواهد بود. طوریکه در مورد سردار داود خان آنرا بخوبی مشاهده کرده میتوانیم.

سردار داودخان بکمک نظامی و ایده لوژیکی حزب دیمکراتیک خلق و شوروی آنزمان توسط کودتای سرطان 1352 هجری شمسی بر اریکه قدرت نشست. گفته شد که در اخیر دوران قدرت خود از سیاست و اقدامات خونین خود نادم گشته بود، لیکن همان دوستان کمونیست و اتحاد جماهیر شوروی آنزمان به فجیع ترین وجه خانواده سردار داود خان را کشتند.

لیکن بررسی مواضع اخیر رئیس جمهور برای همه افغانها نه تنها جالب است بلکه خالی از مفاد نخواهد بود، زیرا بر خورد های سیاسی وی یک سلسله موضوعات کلیدی را در اختیار ما قرار میدهد تا برای استقرار صلح در کشور، حفظ منافع علیای ملت افغان، استحکام یک نظام منبعت از اراده مردم در افغانستان، رفاه عامه مردم، ارتقای سطح تعلیم و تربیه در کشور و ایجاد فضای اعتماد منطوقی و بین المللی از آن استفاده نمایم. شبکهات مهیل قدرت اقتصادی گروهی و شخصی را منهدم ساخته در اختیار یک دولت با ثبات افغانی که در آن نوامیس دینی و ملی محفوظ باشد و اراده و تمنیات ملت تجلی یابد، قرار دهیم.



انسحاب قوای امریکا و ناتو و نوسانات فکری سیاسی کرزی

برای نخستین بار در اکتوبر سال 2010 میلادی (Transparency International) سازمان معروف شفافیت بین المللی افغانستان را در جمله فاسدترین دولت های دنیا محسوب کرد. در فهرست انتشار یافته از طرف آن سازمان افغانستان درجه سوم را اخذ نموده است. این در حالی بود که دول غربی به سرکردگی امریکا آقای رئیس جمهور کرزی را در کنفرانس ناتو لیزبن بدرقه کردند و رئیس ، یکی از فاسد ترین دولت های دنیا را ، در پهلو خود بزبان رایج فرهنگ ایرانی ، منحیث همتای خود پذیرفتند. متعاقب کنفرانس لیزبن که آقای حامد کرزی در آن حضور داشت و عاجزانه تقاضای ارسال عسکر بیشتر ناتو را در افغانستان اظهار نموده بود ، و در آن نشست تقاضای خود آقای کرزی، از طرف رئیس جمهور اوباما پاسخ مثبت شنید و تصویب گردید که سی هزار عسکر ناتو به افغانستان جهت **تعلیم** نظامی نیروی های امنیتی افغان اعزام میگردد، روزنامه واشتنگتن تایمز بتاريخ 24 اکتوبر 2010 میلادی افشا نمود که آقای عمر داود زی رئیس دفتر کار جناب رئیس جمهور بطور مسلسل از دولت ایران پول نقدی اخذ نموده و آن مبالغ هنگفت را برای راه سازی اعمال سیاست ایران در داخل دولت افغانی تحت الحمایه ناتو به مصرف میرساند. جناب رئیس جمهور نه تنها درین معامله خاموشی اختیار کرد بلکه با همه شکستگی بخاطر کمبود بودجه دفتر خود ، بدفاع از آن پرداخت

این شیوه کار و اعتقاد فکری سیاسی، آقای کرزی نوع از بهر برداری تجارتی است. در نشست لیزبن سازمان ناتو مصمم گردید که انسحاب قوای خود را از افغانستان رسماً تصویب کند. در تصویب لیزبن آمده است که قوای ناتو از افغانستان بطور مرحله ایی خارج میشوند. جریان خروج نیروی های ناتو از افغانستان تا اخیر سال 2014 میلادی اختتام یافته و دولت کنونی از نگاه نظامی و امنیتی با جذب نیروی های نظامی و امنیتی افغان متکی بخود میگردد

در استراتیژی تصویب شده ناتو نهفته است که جنگ در افغانستان مبدل به یک جنگ داخلی گردد که افغانها در برابر افغانها قرار گیرند. در برابر آن دول غربی مصروف جنگ در افغانستان، فاسد ترین دولت و رئیس دولت را منحیث همتای بین المللی خود می بپذیرند. جمهوری اسلامی ایران درین بازی نقش کنلیزاتور را ایفا می کند تا در معامله بحران سیاست خارجی خود با ایالات متحده امریکا ، آلمان ، انگلیس و فرانسه یک فضای تبادل نظر و دیالوگ متواتر را باز داشته باشد. پذیرفتن مبالغ هنگفت از جانب ریاست جمهوری افغانستان از دولت ایران خاطر نشان میسازد که آقای کرزی برای ایجاد شبکه های ظریف حفاظت خانواده خود منحیث شاهزادگان کلاسیک در صحنه سیاست منطقوی و بین المللی به ملت افغانستان بمثابه یک بازار تجارتی نگاه می کند و از جانبی که پول برایش برسد، آنرا خیر مقدم گفته و از آن بدون هراس استفاده می کند

در ماه جنوری سال جاری زیر عنوان «مالی، افغانستان، درس (Alain Gtesh) نشریه لوماند دیپلوماتیک مقاله ای را به قلم آقای های فراموش شده» منتشر ساخت که نویسنده درباره دولت کرزی و شخص جناب رئیس جمهور چنین می نویسد: «قدرتی که در پناه تانک و زره پوش های ارتش های خارجی در کابل مستقر است ، توسط کرزی ای اداره می شود که نباید فراموش کرد که انتخابات ریاست جمهوری سپتامبر 2009 را به مدد ثقل های گسترده برد و مشرو عیتش از مرز خاندان خود ونیرو های «مزدورش که عمیقاً فاسد هستند فرا تر نمی رود»

انتشار این مقاله در لوماند دیپلوماتیک خاطر نشان میسازد که کشور های غربی از عمق قوت کرزی در ابعاد سیاسی و فکری بخوبی آگاهی دارند و میدانند که آقای رئیس جمهور نه از قوت استدلال سیاسی ونه از قوت مردمی، حتی ناچیزی، برخوردار است. حتی گاهی دیده شده که بصراحت در نشریات غربی از مشکلات روانی جناب رئیس جمهور یاد آوری می شود

گرچه اینوع پیش آمد با یک رئیس جمهور دولت افغانستان خیلی نامناسب است ، مگر دیپلومات های دول غربی درین مورد چشم سفیدی می کنند

ایالات متحده امریکا منحصراً نیروی رهبری سیاسی و نظامی قوای اشغالگر در افغانستان برای انتخابات اکتوبر سال 2009 میلادی دو گلادی یاتور (پهلوان های دستپورده امپراطوری روم) را به میدان فرستاد. یکی جناب رئیس جمهور آقای کرزی و دیگر آقای داکتر عبدالله عبدالله، وزیر خارجه مخلوع اسبق، و مامور انسجام تبلیغاتی، سیاسی و استخباراتی، دوران حمله نیروی های امریکائی به افغانستان.

بعد از پیروزی آقای کرزی در میدان انتخابات فرمایشی دیموکراتیک سال 2009 میلادی افغانستان بمجرد اظهار انصراف داکتر عبدالله عبدالله در انتخابات دوردوم چند ساعت بعد، سخنگوی آقای اوباما رئیس جمهور ایالات متحده امریکا، آقای رابرت گیبس تصمیم اوباما را چنین توضیح داد: " رئیس جمهور کرزی برنده انتخابات تعیین شد و حکومت آینده را رهبری می کند" و اضافه کرد که: " فلذا وی (آقای کرزی) طبعاً رئیس مشروع و قانونی دولت افغانستان است."

آقای گیبس در مقام پاسخ به سوالی که آیا مردم افغانستان بخاطر تقلب در انتخابات و فساد اداری که از آن آگاه می باشند مشروعیت وی را مورد نگرانی نینداند چنین اضافه کرده گفت: " من هیچ دلیلی نمی بینم که باور کنم که چنین کاری بکنند."

Washington البته معاون دفتر سازمان ملل متحد در افغانستان آقای پیتر گالبرایت ضمن نامه برفی (ایمیل) به روزنامه درعین زمان نوشت که: انتخابات افغانستان یک افتضاح می باشد. اکنون باز همان کرزی فاسد *Independent* و غیر مؤثر درگردن افتید. شخصیکه در هفت سال گذشته بردوش مابود. اکنون به حق، او از جانب اکثریت مردم افغانستان غیر مشروع دانسته می شود و حتی از جانب شهروندان آنده از کشورهای که به افغانستان عسکر فرستاده اند. هیچگونه شیوه وارنه ساختن واقعیت قادر نخواهد گردید که عینیت واقعی این امر را پنهان کاری کند که ما، در انتخابات دوصد میلیون دالر مصرف کردیم و بلاخره منتج به یک افتضاح فاحش گردید.

حتی خبرنگاران «گوسفندی» قصر سفید در جریان کنفرانس مطبوعاتی سخنگوی اوباما را تحت فشار قرار دادند و پرسیدند که نتایج جریان انتخابات ایا توانمندی رهبری کرزی را متضرر نساخته است؟ رابرت گیبس به ترتیب ذیل درینمورد جواب داد: " بعد از تفریق آرای تقلب شده، اکثریت آرای شمار شده، کامیابی کرزی را تأیید می کند به همین دلیل افغانها هیچ دلیلی ندارند تا " که حکومت فعلی کرزی را غیر مشروع تلقی کنند."

خواننده محترم سطور بالا! یکبار بدقت گفتار سخنگوی رئیس جمهور ایالات متحده امریکا را ملاحظه کنید. این گفتار نشانه ای از تکبریک ابر قدرت شرمسار شده میباشد، تکبریکه همه تمنیيات یک ملت مصیبت زده را چشم پوشی می کند و آقای کرزی را دوباره بوظیفه اش نصب می کند.

آقای رئیس جمهور کرزی برای اولین بار در ماه جون سال 2011 میلادی درمورد مذاکرات صلح یک خطابه مختصری را حین کنفرانس مطبوعاتی ایراد کرد که در آن کنفرانس مطبوعاتی چنین گفته بود: «مذاکرات صلح آغاز شده است و به خوبی پیش «. میرود این مذاکرات با نیروهای نظامی خارجی به ویژه امریکا سرعت میگیرد»

متخصصین نظامی دول غربی درعین زمان، خطابه آقای کرزی را طوری تفسیر نمودند که رئیس جمهور کرزی، ایالات متحده امریکا و دول غربی را زیر فشار قرار داده است تا با مقاومت مسلحانه به مذاکرات بپردازد. البته در نشریات انترنتی آلمان متعاقب کنفرانس مطبوعاتی آقای کرزی افشاء گردید که دفتر ریاست جمهوری افغانستان علاقمند نزدیکی با حزب اسلامی و تحریک طالبان است و آن دفتر اقداماتی را درین مسیر بره انداخته است.

موازی به این نوع انتشارات در مطبوعات، دفتر ریاست جمهوری در حلقه های خصوصی دیپلوماتیک با بسیار اندوهناکی اظهار میداشت که در بودجه مصارف آن دفتر صرف برای یک ماه پول موجود است و بس.

درین مورد اشپیگل آنلاین یکی از نشریات انترنتی مورداعتبار آلمان فدرال به همان تاریخ می نویسد که دولت افغانستان از نبود پول رنج میبرد و تحت مشکلات شدید مالی قرار دارد. گفته میشود بانک جهانی و یا صندوق بین المللی پول پیشنهاد کمک به کابل بانک را نیز نموده در حالیکه آنرا مرکز رسوائی و فساد اداری میپندارد.

این نوع موضع گیری جناب کرزی باز هم هدفمدار است. یعنی گرفتن باج بیشتر از دول غربی برای تقویت بازپرداخت های خود به شبکه ظریف ایجاد شده چه برای قوت بخشیدن بیشتر خانواده خود و چه برای به زنجیر کشیدن سایر خانواده های مشهور و ملیشه های قومی جهت حفاظت خانواده جناب رئیس جمهور و استمرار قدرت محتوم به اختتام کرزی در افغانستان.

جناب کرزی رئیس جمهوری فعلی دولت تحت الحمایه افغانستان که یگانه حامی و پشتیبان صادق خود و خانواده خود را، حضور نیروی های ناتو در کشور، مصارف هنگفت مالی آنها و در اختیار قرار دادن بودجه چند چشمه انی مالی برای دفتر ریاست

جمهوری خود تشخیص داده است، ذو کات سیاسی و مردانگی افغانی وی ایجاب می کند که خدمتگذار واقعی آن اهداف از پیش تعریف شده ایالات متحده امریکا و سایر کشور های ناتو در افغانستان باشد. البته برای تحقق همان اهداف که با حمله ششم اکتبر سال 2001 میلادی برای نخستین بار در سطح جهانی مطرح شد و با گذشت زمان جهت پذیرش افکار عامه، دنیا آن اهداف چند مراتبه تنقیح و گسترش پیدا کرد.

فراموش نشود که جناب رئیس جمهور کرزی یکی از سیاستمدارانی است که در طول دوازده سال گذشته در مدارج عالی سیاست عملی، برایش زمینه پرورش سیاسی در سطح بین المللی، از طرف ایالات متحده امریکا، آلمان فدرال، انگلیس، فرانسه، استرالیا، کانادا، ایتالیا، اسپانیا، پاکستان، ایران، هند و روسیه آماده گردید.

یک مشاهده زود گذر واضح میسازد که آقای کرزی در طول دوازده سال گذشته بیشتر از سه صد ملاقات سیاسی، مشورتی و فکری به سطح بلند با «وزرای دفاع، نظامیان عالیرتبه، وزرای خارجه، صدراعظم ها، رؤسای جمهور، رهبران جامعه مدنی، رهبران احزاب سیاسی دولت های اشغالگر، مسئولین دستگاه های استخباراتی، مسئولین دستگاه های تولید کننده داشته است. پس ملاحظه میشود که اینوع زمینه ها خود «(Think Tank Institution) استراتژی های نظامی، سیاسی و فکری بیانگر نوع از تربیه و پرورش سیاسی جناب رئیس جمهور بوده و نمونه از تبلیغات مدرن «شخصیت سازی مکرر» در عصر معلومات میباشد.



نوسانات و اعترافات

داکتر نجیب الله رئیس جمهور نصب شده و تحت حمایت اتحاد جماهیر شوروی (الکون مضمحل شده!) در آخرین تلاش های خود بخاطر حفظ قدرت و نمایاندن یک چهره وطنی و ملی، در سخنرانی مشهور خود بمناسبت چهارمین سالگرد مشی مصالحه ملی - ۲۵ جدی ۱۳۶۹ گفته بود که: " بارها گفته ایم که بیانید مذاکره کنیم، دیالوگ کنیم، بیانید داخل مملکت، اسلحه را بر زمین بگذارید و از مبارزه مسلحانه استفاده نکنید و از مبارزه مشروع و قانونی و سیاسی در میدان مبارزه داخل شوید. ما اینها را سد نکرده ایم، این آنها هستند که نمی خواهند به این ترتیب با استفاده از یک فکتی که از جانب دیگران تحمیل می شود چنان سوء استفاده کردند که گوید مکراسی در افغانستان وجود ندارد. آیاما واقعاً برای تکامل معقول دموکراسی مبارزه می کنیم؟ یا می خواهیم که به شکلی از اشکال زیر نام دفاع از دموکراسی خدای ناخواسته در جهت تخریب دموکراسی برآییم و باز همین سمت معقول که آغاز شده است که باید تکامل بکند و اگر با یک سلسله خصوصیات روشنفکرانه و یا چپروانه یا راست روانه یا بی موازنه خواهیم که خدای ناخواسته کاری را انجام بدهیم همان گونه که در طول تاریخ گفتیم که به تدریج میامدیم اکنون به کدام مرحله انکشاف میرسیدیم، باز یک ضربه به نهضت وارد شود؟ در اینجا مسؤلیت همگان بخصوص از ما هم است و خود را مکلف میدانیم و در ارتباط با لویه جرگه، در ارتباط با حفظ تمام این موازین و تمام مقرراتی که در قانون اساسی است سوگند یاد نموده ایم و بی حوصله هم نمی شویم. بلکه مکلفیت خود میدانیم، وظیفه ملی و وجدانی و افغانی خویش تلقی می کنیم که همین مسیر سیاست مصالحه و تامین دموکراسی را که آغاز کرده ایم، بدون این که باها ما را از جای متزلزل بسازد، با پای استوار و معقول به پیش می رویم. و اما توقعات ما اینست که دیگران هم باید در همین استقامت معقول مسؤلانه در برابر تاریخ و جامعه معقول گام بردارند."

Jane's Defence Weekly همچنان آقای نجیب الله منحيث رئيس جمهور رژيم تحت الحمايه مسكو طى مصاحبه كه با مجله بتاريخ ششم مارچ 1992 ميلادى نموده بود گفته بود: "من هميشه اظهار کرده ام و اکنون دوباره تکرار می کنم که هیچ مانعی در برابر اعزام مذاکرات برای آتش بس و صلح در افغانستان وجود ندارد که در اخير منتج به انتخابات عمومى ، آزاد و سرى زير "نظر سازمان ملل متحد برگزار گردد

خواننده ای عزیز! اکنون آن دونقل قول فوق الذکر را با بیانات جناب رئيس جمهور فعلى حکومت تحت الحمايه ناتو، آقای کرزی مقایسه کنید که در ذیل آنرا بطور نمونه به شما ارائه می کنم:

آقای رئيس جمهور کرزی ضمن سخنرانی که از طریق شبکه (Deutsche Welle) به نقل قول از صفحه انترنتى صدای آلمان های تلویزونی انتشار یافته است ، بتاريخ یکشنبه دهم مارچ سال جاری عیسوی جهت محکوم کردن عملیات مقاومت به این ترتیب اظهار نظر کرده است: " تروریست ها دو حمله انتحاری آخر را در هفته گذشته، که 19 کشته بر جای گذاشت، «جهت خدمت» به ایالات متحده انجام داده اند. به این وسیله برای مردم افغانستان باید این تصور ایجاد شود که اگر نیروهای جنگی ناتو طبق برنامه قبلی تا سال 2014 از کشور بیرون شوند، وضعیت امنیتی به شدت وخیم خواهد شد." درنشریه صدای المان آمده است که: "افزون بر این کرزی ایالات متحده را متهم کرد که در حال حاضر در قطر با طالبان اسلام گرا به مذاکره مشغول است. او با "انتقاد از این مساله گفت که امریکا افراطی های شورشی را دیگر به عنوان دشمن نمی بیند، بلکه آن ها طرف مذاکره اش هستند

و بتاريخ پنج حمل سال جاری جناب کرزی رئيس جمهور دولت تحت الحمايه ناتو در افغانستان طى مصاحبه مطبوعاتی که در آن وزیر خارجه ایالات متحده امریکا آقای جان کری حضور داشت ، چنین اظهار نظر کرد: "مطبوعات عزیز کشور و مطبوعات جهانی بشمول مهمان های امریکایی بسیار خوش آمدید به کنفرانس مطبوعاتی امروز ما با جناب محترم جان کری وزیر محترم امور خارجه امریکا

آقای وزیر خارجه و من از دیر زمانی با هم آشنا هستیم و رابطه دوستی و رفاقت داریم، از دوستی اینها و رفاقت شان هم خوشحال هستم و هم به آن افتخار می کنم

اینها همیشه از دوستداران افغانستان بودند و در حالت مشکل روابط بین دو کشور با ما دست آستی و جور آمدن داشتند که آن طبعاً به خیر روابط بین دو کشور انجامیده است، امروز اگر چه سفر اول اینها به افغانستان نیست، چندمین سفرشان می باشد، ولی سفر اول شان به صفت وزیر امور خارجه امریکاست و در این مقام جدید شان هم برایشان مبارک می گویم، هم اینها را به "کشور ما خوش آمدید می گویم

چنین گفت: " ما با ایالات متحده امریکا (NBC) آقای کرزی در ضمن پاسخ به سوالی از شبکه تلویزونی امریکائی بنام موافقم که میخواهند جنگ با طالبان را به پایان برسانند. ما پروسه صلح را بر جنگ ترجیح میدهیم. بنابراین، ما از امریکا کاملاً حمایت میکنیم و موافق هستیم که اعلان کردند جنگ با طالبان به پایان خواهد رسید. حتی، جای خوشی بیشتر خواهد بود اگر این جنگ امروز پایان یابد..... اما، رسانه ها این گفته های مرا نادرست تعبیر کرده که گویا میان امریکایی ها و طالبان تبانی و سازشی وجود دارد. هرگز از اصطلاح "تبانی" در حرف های خود استفاده نکرده ام، و آنچه در رسانه ها انعکاس یافت سخنان من نه، بلکه تعبیر نادرست رسانه ها بود. و یکبار دیگر ، حرفهایم را در خطاب به طالبان تکرار میکنم: و آن اینکه اگر طالبان میخواهند که خارجی ها افغانستان را ترک کنند، پس بهترین راه برای تحقق این امر دست کشیدن از کشتار مردم است، اگر خروج نیروهای خارجی را از افغانستان میخواهند، پس باید از ضرر رساندن به افغان ها و جامعه بین المللی دست بردارند

من از امریکا حمایت میکنم که اعلان کرده اند که دیگر نمیخواهند با طالبان بجنگند بلکه میخواهند روی جنگ با القاعده و شبکه های تروریستی تمرکز کنند. بناً ، روند صلح مهمترین روند برای ماست. البته، حرف هایم این چنین بود و این گفته های من به معنای موجودیت سازش یا تبانی میان امریکا و طالبان نیست بلکه این تعبیری است که رسانه ها از اظهارات من کرده اند

در مورد پروسه انتخابات صحبت مفصل شد ما و جناب محترم وزیر خارجه امریکا در انتخابات ۲۰۰۹ هم صحبت بودیم و کار کردیم و یاد آوری کردیم تا به جانب دوستهای خارجی خود به شمول امریکا، امیدواری در این است، به هیچ عنوانی تجربه انتخابات ۲۰۰۹ در افغانستان تکرار نشود و انتخاباتی را که در پیشرو داریم در ۲۰۱۴ به تمام معنا خوب و شفاف و افغانی و بدست افغانها برگزار شده باشد و این انتخابات در افغانستان مشروعیت جدیدی را ببخشد، رئيس جمهور جدیدی را انتخاب کند، آن رئيس جمهور جدید از رأی مردم افغانستان انتخاب شده باشد و رأی مردم افغانستان احترام شود و در این مورد اینها هم راجع به انتخابات تشویش ها و دیدگاه های خود را داشتند، در آن مورد با ایشان در توافق کامل هستیم که انتخابات ما از هر دید و از هر معنا شفاف و پاک و درست باشد، نه در آن انتخابات مداخله از جانب حکومت افغانستان و یا سیاسیون افغانستان باشد و

نه دستهای دیگری، نه در آن انتخابات مداخله از بیرونها و کشورهای خارجی باشد، انتخابات کاملاً از مردم افغانستان باشد، توافق داریم و امیدوار هستیم که با هم یکجا البته در جاییکه کمک جامعه جهانی لازم باشد در این مورد کار شود.

وجان کری وزیر خارجه ایالات متحده امریکا در جریان همان مصاحبه مطبوعاتی نامبرده افزود: "در رابطه به موافقتنامه امنیتی و دفاع از افغانستان در صورت که حمله بالای آن صورت بگیرد، اجازه دهید تا با صراحت کامل بگویم. امشب گفتم که تعهد رئیس جمهور اوباما این است که اجازه نخواهد داد که دستاورد های مان از دست برود و در موافقتنامه امنیتی بین دو کشور و همچنان در موافقتنامه همکاری های ستراتیژیک که قبلاً میان امریکا و افغانستان امضا شده است، امریکا یک سلسله تعهداتی دارد در برابر افغانستان. ما افغانستان را کمک میکنیم تا توانایی دفاع از خود را پیدا کند. افغانستان یکی از بزرگترین اردو ها را در منطقه خواهد داشت که شمار آن به 352000 سرباز میرسد و افغانستان توانایی فوق العاده ی را برای دفاع از خود خواهد داشت -چنانچه از قبل ثابت ساخته است- چون امروز نیروهای امنیتی افغان رهبری اکثریت عملیات ها را بدوش دارند و در سال جاری، طی چند ماه، افغانها رهبری همه عملیات ها را در سراسر خاک شان بدوش خواهند داشت. بنأ، افغانستان هم اکنون توانایی و ظرفیت اش را ثابت ساخته است که میتواند از خود دفاع و حراست کند.

ما با افغانستان مشترکاً کار خواهیم کرد تا اطمینان حاصل کنیم که تفاهم منطقی بین کشور های منطقه به وجود بیاید و چنان روند صلح داشته باشیم که براساس آن، تمامیت و حاکمیت هر کشور احترام شود و این یک مسئله بسیار مهم است. بنأ، باور من این است که امنیت افغانستان در حال بهبود است و طی دو سال آینده بیشتر بهبود خواهد یافت و اعتماد دارم که در موافقتنامه "امنیتی، به یک تفاهم کامل در رابطه به چگونگی تحقق این هدف، برسیم

بیانات دکتر نجیب الله رئیس خاد و بعدا رئیس دولت، رژیم تحت الحمایه کمونیستی افغانستان درخصوص انتخابات و برپیشامد تفاهمی با مجاهدین یعنی مذاکرات و تفاهم از همان نوعی است که درنهایت امر برای حفاظت جان خودش و رفقای مطرح گردیده بود. همچنان از سخنان آقای دکتر نجیب الله برمی آید که به هیچ عنوان حاضر نیست که به خیانت مرتکب شده خود معترف باشد، بلکه دیگران در پای محاکمه کشانیده و مجاهدین را مورد خطاب قرار داده میگوید که آنها بیایند و زیر قواعد و اصول رژیم کمونیستی تحت الحمایه مسکو و زیر نظر و فرامین آن دولت مزدور به مذاکره بپردازند. اگر واقعاً آقای دکتر نجیب الله نسبت به اعمال وحشیانه قوای شوروی و رژیم منفور وی نادم میبود و میخواست نمونه ای حداقل از ندامت سیاست گذشته خود را جبران کند، می بایست بصورت فوری از قدرت کنار رود و میگفت که دیگر نمی خواهد به ملت افغان خیانت کند. مگر رفقای خارجی وی یعنی مسکو و خادمان داخلی وی یعنی حزب وطن که میراث خور خیانت و جنایات حزب دیموکراتیک خلق افغانستان بودند، وی را بیشتر تشویق نمودند تا آن رئیس جمهور تا لحظه های اخیر نسبت به اصول دیموکراتیک خیانت ورزد و دور از تفاهم ملی درمنصه توطئه، قدرت را تحویل توطئه گران کند.

اکنون جناب کرزی، رئیس جمهور تحت الحمایه ناتو به سردرگمی مواجه است. از یکسو بصراحت درکنار وزیر خارجه امریکا آقای کری به جهانیان از طریق کنفرانس مطبوعاتی اعلام میدارد که گفتارش غلط و اشتباه آمیز تاویل و تفسیر شده و اظهار معذرت خود را به دوست و رفیقش آقای کری بیان میدارد و در ضمن بصورت قطع اظهار می کند که حامی وی ایالات متحده امریکا بوده و جناب خودش خادم وفا دار ایالات متحده امریکا می باشد و ازسوی دیگر میخواهد ضمانت کند که در دور جدید انتخابات یعنی 2014 میلادی خیانت نخواهد کرد و آن انتخابات شفاف خواهد بود.

متعاقب آن درمصاحبه که با روزنامه آلمانی بنام (زود دایچه سیتونگ) داشت و تاریخ نشر آن دوم اپریل سال جاری عیسوی می باشد، جناب رئیس جمهور آقای کرزی از ناتو و ایالات متحده امریکا به شدید ترین لحن انتقاد می نماید، درحالیکه یک دوروز قبل آن در قطر افتتاح دفتر تحریک طالبان را تائید نموده و اظهار خرسندی و خوشی از عملیه تفاهم امریکا با طالبان نموده و آنرا ستایش می کند.

!خواننده گرامی سطور بالا

بیانید با عقل خدا داد خود یکبار به این سوال پاسخ پیدا کنیم که چطور و بکدام قوت یک رئیس جمهور تحت الحمایه ناتو و ایالات متحده امریکا که باخونین ترین مهمات جنگی عساکرش در افغانستان حضور دارد، به حامیان خود انتقاد روا میدارد و آنها را توهین می کند. آن رئیس جمهوریکه از طریق قوای ناتو به اریکه قدرت سیاسی درافغانستان نصب گردیده است و طوریکه درقسمت اول این نوشتار واضح ساختیم که از زیرکی هوش و معامله تجارتي بنفع خانواده و حلقات وابسته برای حفظ قدرتش بصورت قطع برخوردار است یعنی نه الحمدالله دیوانه است و نه بکدام مرض مهلک روانی مبتلا است؟

شخصیکه برای حفظ جان، مقام و اداره خود مستقیماً به محافظان امنیتی امریکائی محتاج می باشد. شخصیکه برای امرارمعاش خود، به کمک مستقیم ایالات متحده امریکا دربودجه دفتر ریاست جمهوری احتیاج دارد. شخصیکه طی دوازده سال گذشته در ورزات خانه اش، مشاورین ارشد امریکائی و دول غربی با معاشات بالاتر از صد هزار دالری ماهانه برای حفظ اداره سیاسی،

استخباراتی و نظامی وی ایفای وظیفه می کنند. شخصیکه در انتخابات 2009 میلادی بکمک دوصد میلیون دلاری دول اشغالگر باز هم به کرسی ریاست جمهوری نصب شد. شخصیکه عادتاً در هر خون ریزی که از جانب اشغالگران صورت می گیرد ، بخاطر ناتوانی مفتضحانه خود ، صرف گریه می کند. شخصیکه بعد از 2008 میلادی حد اقل دوبار در سال از رهبران سیاسی قوای اشغالگر بصراحت معذرت خواهی می کند. و بلاخره شخصیکه در بین ملت کوچکترین پایگاه مردمی ندارد و برای حفظ خانواده و خادمان درباری خود به قوای مرموز اربکی و سایر خانواده های شهرت یافته مردم افغانستان که در رأس آن خانواده جناب محترم صیغته الله مجددی، خانواده جناب محترم دوستم، خانواده جناب محترم آقای سیاف ، خانواده جناب محترم مارشال فهیم ، خانواده شهید برهان الدین ربانی ، خانواده جناب محترم خلیلی، خانواده محترم برادران شهید احمد شاه مسعود، خانواده محترم بیات قرار دارند ، محتاج می باشد و آن خانواده های محترم خدمتگذاران دست اول قوای اشغالگر و جناب رئیس جمهور می باشند.

اگر قناعت عقلانی مایان حاصل شده باشد که آقای کرزی یک شخص تیز هوش ، زیرک و تجار پیشه خوب است و اگر قناعت ما حاصل شده باشد که جناب رئیس جمهور هیچگونه پایگاه مردمی و ملی بین ملت ندارد و اگر دریافته باشیم که خانواده جناب رئیس جمهور کرزی و سایر خانواده محترمیکه در فوق ذکر ایشان رفت ، نقش اصلی همکاری با قوای اشغالگر را بخاطر منفعت و حفظ قدرت خود دارند ، پس چرا غوغای توهین آمیز به ایالات متحده امریکا و سایر دول جامعه جهانی که در افغانستان وظیفه انجام میدهند ، سر داده است؟

جواب این معما و یا سوال آنقدر پیچیده نخواهد بود. مگر پیش از اینکه به این معما و یا سوال جواب مستقیم و روشن ارائه کنیم ، بهتر است چند پاسخی غیر مستقیم از زبان عساکر اشغالگر بشنوید که در افغانستان وظیفه انجام داده اند و اکنون دوباره به وطن که اکنون 33 ساله است و هشت سال در خدمت عسکری، قوای امریکائی بود ، تجربه Devon Read خود برگشته اند. آقای جنگی در عراق نیز دارد ، در سال 2009 میلادی با یکده از عساکر دیگر تلاش می ورزید که کانگرس امریکا را متقاعد سازد تا بخاطر تقاضای جناب کرزی ، توصیه قومندان اعلاای امریکا میک کرسیتیل و خواهش رئیس جمهور اواما در سال 2009 میلادی عسکر بیشتر به افغانستان نفرستد. او می گوید: "قطعا برای دیگران قابل درک و فهم نیست که رژیم کرزی در همه لایحه Devon ها فاسد است ، صرف کسانی میتوانند درک کنند که آنرا به چشم سر مشاهده کرده باشند ، بعدا یقین می ورزند. آقای می افزاید که " بزرگترین دشمن مقاومتگران نیستند! بزرگترین دشمن مردم افغانستان حکومت افغانستان و قوای اشغالگر Read است."

!خواننده گرامی

موضعگیری های جناب رئیس جمهور کرزی و آقای جان کری و آقای دوین رود را بدقت یکبار دیگر مطالعه کنید تا شما خود به سوال مطرح شده جواب صادقانه ارائه کنید.

بنظر بنده ، نگارنده این سطور چنین به نظر می رسد که جناب کرزی با تیبانی با قوای اشغالگر به همچو افواهاات می پردازد. وی قوه عاقله ملت افغان را نادیده گرفته به تمسخر می کشاند و عمدا با محاسبه دقیق سیاسی و تبلیغاتی خواهان درز افگنی در قدرت قضاوت ملت، نسبت به جفاکاری ها و خیانت های ملموس خود وی نسبت به سر نوشت و حقوق ملت می باشد. جناب کرزی میخواهد تا در آینده نیز بنوع از انها در سیاست و قدرت سهم مرموز و اثر گذار در افغانستان خون غنوده داشته باشد.

حلقات سیاسی و اجتماعی که خواهان یک وطن آرام ، پر ثبات ، صلح پرور و پراززمینه های رفاه برای ملت می باشند و میخواهند دور از توطئه اجنبیان و خدمتگذاران داخلی اشغالگران یک نظام سیاسی معتدل ، صلح دوست نسبت به ملت و نسبت به همسایگان و جامعه جهانی را حامی و پشتیبان باشند و صادقانه میخواهند که جنگ داخلی در کشور ایجاد نگرند ، باید خارج از جناب رئیس جمهور کرزی و خانواده های محترم که در حلقه رهبری سیاسی کنونی کشور برای حفاظت منافع خانوادگی خود بطور تجارتي عمل کرده اند و تاکنون می اندیشند، تلاش و ابتکار بخرچ دهند ، که چطور می توانیم به اهداف و تمنیات اصلی ملت مشمول از خروج نیروی های خارجی از کشور ، استقرار صلح ، دولتی متکی شفاف به اراده مردم و حفظ ارزش های دینی و افغانی نایل آییم.

البته مداخلات ایران ، پاکستان و هندوستان در سر نوشت سیاسی ملت افغانستان زخم های کاری بجا گذاشته ، لیکن اکنون همه بخصوص ایران ، پاکستان و هندوستان میدانند و واقف اند که دست اندازی در سر نوشت آینده افغانستان قطعا به مفاد آنها نیست ، زیرا خود آگاهی ملت افغان آنچنان به پختگی رسیده است که هر کوششی منفی جهت زخمه زدن به منافع ملی افغانستان ، باعث ناآرامی و ناآمنی اوضاع داخلی آنها خواهد گردید و باعث بحران های سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی شدید برای آنها خواهد گردید. ایران با سرکوب کردن اهل تسنن اکنون به یک محیط ناامن مبدل گردیده و افغانها هرگونه توانمندی پشتیبانی از آنها را دارا می باشند. پاکستان بدلیل وخامت اوضاع اقتصادی توانمندی رقابت را با هندوستان از دست داده میرود و صرف افغانها

توانمندی دفاع را دارند. هندوستان با داشتن بیشتر از 250 میلیون مسلمان دیگر توان هیچگونه مداخله را در سرنوشت سیاسی افغانستان نخواهد داشت ، زیرا مسلمانان آنکشور از وضعیت سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی مردم مسلمان افغانستان اکنون . بخوبترین وجه آگاهی حاصل کرده اند

با آگاهی تمام به این بررسی از وضعیت داخلی دولت فعلی وبا آگاهی تمام از وضعیت منطوقی و بین المللی ، حلقات سیاسی و اجتماعی که میخواهند نقش تاریخی و ملی خود را برای یک افغانستان مستقل و آرام ایفا کنند، باید بجد کوشا باشند تا فریب تبلیغات مسخره آمیز جناب کرزی و حوارین اش را نخورند

بالاحترام

محمد عظیم آبرومند

حمل سال 1392 هجری شمسی 14

مطابق 4 اپریل 2013 میلادی